

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/02/30



موضوع: بحث و شرح مسئله هشتم عفو از دم اقل از درهم

مسئله هشتم: اضافه شدن نجاستی غیر از دم به دم معفو
سید طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه در مسئله هشتم عفو از دم اقل از درهم فرمودند: «إذا وقعت نجاسة أخرى كقطره من البول مثلاً علي الدم الاقل بحيث لم تتعد عنه الي المحل الطاهر و لم يصل الي الثوب أيضا هل يبقي العفو أم لا، اشكال فلا يترك الاحتياط». مسئله را ترجمه کردیم و آنچه که درباره شرح این فتوا و این اشکال قابل ذکر بود هم بیان کردیم. اما به شرحی و استدلالی که درباره این مسئله به عمل آمده است، اشاره کنیم.

بیان سید حکیم در مستمسک

سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می‌فرماید: اشکالی که در این متن آمده، از دو جهت است: 1. از جهت تنجس دم که ممکن است بگوییم دم معفو بوسیله بول متنجس شده است که اشاره شده بود که تنجس نجس بار دوم ممکن است یا ممکن نیست، بنابراینکه تنجس درست باشد که نجاست عارضی است. 2. از جهت صدق صلاه در نجس است. صلاه در قطره دم داشتید ولی آن قطره دم معفو بود، اثر نجاست مرتفع شده بود امتنانا اما بول که روی آن دم واقع شده است، در ثوب و بدن که طبیعتاً نجاست بول که به قوت خود باقی است، دم که مطهر برای بول نمی‌شود. بنابراین صدق می‌کند که صلاه در نجس است. گفته بودیم که هر دو اشکال از دو سو یک احتیاط واجب به وجود می‌آورد. اضافه می‌فرماید: مقتضای قاعده درباره جهت اول تنجیس است. چون قاعده النجس منجس است. و درباره اشکال دوم که صدق صلاه در نجس است، این احتمال هم بعید نیست، لذا نه احوط، بلکه گفته می‌شود اقرب عدم عفو است. [1]

سوال: چرا بنابر اقرب یا احتیاط باید اجتناب نمود

سوال: اینکه از منجسات است و باید بنابر قول صحیح عدم عفو باشد، چرا اقرب؟
جواب: اگر در جایی دیگر از بدن باشد، اما این آمده روی قطره دم که قطره دم معفو است. آنکه معفو است، روی معفو چیز دیگری قرار بگیرد، اثری ندارد.

تذکر بر اخذ مبانی تحلیلی و آموزش روش های فقهی
ممکن است تصور بشود که این فرض نادری است و بحث چه فائده دارد؟ جوابش این است که قاعده می دهد، و قدرت استدلال می دهد. بحث استدلال فقهی یعنی توان دادن بر فهم و برداشت و استدلال و استنتاج. لذا این بحث ها می تواند جزء بحث های خوبی باشد ولو مورد کم اتفاق بیافتد. ولی شیوه بحث برای ما مفید است که آشنا بشویم. بعضی اشخاص در نجف مثلاً سید باقر صدر قدس الله نفسه الزکیه مثل بقیه تلامذه سیدنا الاستاد سالیان خیلی طولانی نبود در درس فقه، بلکه یک دوره مختصر حدود شش سال، ولی بعد روش را آموخت و قدرت استدلال و شیوه رد فروع بر اصول آموخت. کسی که روش را بلد شد، اگر فرصت شد، یک نکته های خصوصی می گوئیم که چطوری باید کتاب ها را مطالعه کنید، و چه کتاب هایی را مطالعه کنید و چطوری مطالعه کنید، این کار شخصی خودتان است تا برسید به اجتهاد. گفته نشود که ما که دنبال مرجعیت نیستیم، ما مرجعیت نگفتم بلکه اجتهاد می گوئیم. کسی که مجتهد بشود، یک مسئله علمی است و یک مسئله معرفتی. مسئله علمی این است که کسی که مجتهد بشود یک قدرت علمی است. یک مجتهد توان تجزیه و تحلیل مسائل مختلف علمی و حقوقی و فقهی و عقلی و فلسفی را دارد. نکته معرفتی آن این است که کسی که در حد اجتهاد برسد، تحت حمایت ویژه آقا امام زمان ارواحنا له الفداء ان شاء الله.

فرق اقرب و احتیاط

سوال: اقرب با احتیاط چه فرقی دارد؟

جواب: منظور از اقرب یعنی حکم متعین و در حد فتواست. که اگر فتوا در درجه ابتدایی از فتوا بود، اقرب است و در درجه کامل فتوا بود، اقوی است.

بیان مرحوم آقای خویی (تصویر سه صورت در مسئله)

اما سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این مسئله دارای چند صورت است: 1. قطره بول در محیط اطراف دم اصابت کند، در این صورت شک در تنجیس نداریم. 2. موضع اصابت دم که دم اقل از درهم است، ثوب باشد و خونی که در ثوب است، کمتر از درهم است و قطره بول روی همان دم اصابت کرده، اما از محل تعدی نکرده، در این صورت هم می گوئیم ثوب است و با خون که آلوده بود عفو داشت، الان بول که آمده است که عفو ندارد، این ثوبی است آلوده به خون و به بول، مراجعه می کنیم به عموم ازاله نجاست و حکم می شود عدم عفو. 3. بول واقع شده است بر دم و دم هم در بدن اصابت کرده، در این صورت بول که روی آن دم افتاده، دو صورت دارد: 1. بعد از قرار گرفتن بول روی آن قطره دم می بینیم که بول خشک شد و از بین رفت تا موقع صلاه، عین بول که نبود،

مراجعه می کنیم که عین بول مرتفع است اما این خونی که معفو بود، الان متنجس شده است، طبق قاعده می گوییم «النجس لا یتنجس ثانیاً». بنابراین حکم بر مانعیت زمینه ندارد.^[2]

صورتی که دم اقل از درهم متنجس به بول هم بشود، مسئله مبتنی بر حمل نجس در نماز است

2. روی خون افتاده تا وقت نماز، خشک نشده و هنوز هم عین آن موجود است، در اینجا سیدنا می فرماید: امر مبتنی است به جواز حمل نجس در صلاه و عدم جواز حمل. چون که خون معفو بود، بول روی آن خون قرار گرفته و یک نجس را حمل کرده. آن نجس جای دیگر بدن را که تنجیس نمی کند. نجسی که قابل تنجیس باشد، مانع است. اما حمل نجسی که لباس و بدن را تنجیس نکند، می شود حمل نجس نه نجاست در ثوب و بدن. بنابراین مسئله مبتنی است بر جواز حمل نجس و عدم جواز، اقرب و طبق قاعده حکم جواز حمل نجس است. چون از لحاظ فقهی آنچه دلیل داریم این است که لباس و بدن در حال صلاه متنجس نباشد اما دلیل نداریم که حامل نجسی که منجّس نیست، نباشد. بنابراین اقرب و تحقیق جواز حمل نجس است. بنابراین در این صورت هیچ اشکالی وجود ندارد که گفته شده است «لا یتربک الاحتیاط»، بلکه مجالی برای احتیاط نیست و دلیلی بر مانعیت نداریم. این بنابر این است که بگوییم نجس منجّس است ولیکن نجس متنجس را مجدداً تنجیس نمی کند. اما اگر گفتیم که بناء بر تنجیس مجدد یعنی بول که روی قطره خون که قرار گرفته، این خون را تنجیس کرده منتها تنجیس به بول. در اینجا دو قول بود: 1. نجس مجدداً نجس نمی شود و تحصیل حاصل است. 2. اعتباری است، هر نجسی اثر خودش را دارد، بولی که روی قطره خون قرار گرفت، خون را باز نجس کرد به یک نجاست عارضی. در این صورت هم مسئله مبتنی می شود به جواز نجاست در حال صلاه، که این هر دو صورت را شامل می شود چه بول خشک شده باشد یا خشک نشده باشد. چون که نجس مجدداً شده است اما خود آن خون معفو بود و دیگر بدن و لباس را با نجاست عارضی تنجیس نمی کند، پس برمی گردد به مسئله اول که می شود حمل نجس. ملاک حمل نجس این است که آن نجسی را که آدم همراه دارد، به لباس و بدن آدم تنجیسی نکند اما همراه باشد. تنجیس آن است که نجسی است ولی بدن و لباس آدم را آلوده می کند. در اینجا بولی که روی قطره دم افتاده، تنجیس نمی کند و فرض این است که از محل دم فراتر نرفته و تنجیس نمی کند. آن دم هم معفو بود، بنابراین حمل نجس می شود.

مبنای سید خویی بر جواز حمل نجس در نماز است
آیا حمل نجس حال الصلاه جایز است؟ بنابر مبنای سید جایز است.

اگر حمل نجس در نماز ممکن نباشد، مبنای آقای حکیم تقویت می شود
و اگر گفتیم حمل نجس در حال صلاه جایز نیست، باید مبنای سید الحکیم را تقویت کنیم که می فرمود: حمل نجس در حال صلاه جایز باشد یا نباشد، ولی در این مورد صدق اقامه صلاه در نجس است. اگر عرفاً صدق صلاه در نجس محقق بشود، حکم به مانعیت صادر می

شود، اما اگر گفتیم که حمل نجس است نه اینکه صلاه در نجس باشد، از آنجا که حمل نجاست در صلاه مانعی ندارد، بنابراین در این فرض از مسئله مانعی وجود ندارد و حکم همان صحت است و عفو دم اقل به قوت خود باقی است.

سوال در مورد معنی حمل نجس

سوال:

جواب: در لباس و بدن اگر تنجیس صورت بگیرد شرعا، مثل بول در بدن اصابت کرد که تنجیس است. یا دم به اندازه بیشتر از درهم در بدن اصابت کرد و شد تنجیس. اما اگر نجسی بود و در بدن بود، اما تنجیس نکند. ملاک تنجیس و عدم تنجیس است که اگر تنجیس نکند، می شود حمل. یک قطره بول است روی یک قطره کمتر از درهم خون قرار گرفته، تنجیس نمی کند. تنجیس که نکند، ذاتش نجس است که همراه مکلف است ولی تنجیس نمی کند، این حمل نجس است. بنابراین حمل نجس بنابر فتوا و رأی تحقیقی از صاحب جواهر تا سیدنا الاستاد این است که حمل نجس در حال صلاه اشکالی ندارد.

سوال: در حمل نجس باید به عرف مراجعه کرد یا از مسائل تخصصی است.

جواب: در اینجا به دقت فقهی و اصولی باید مراجعه کرد و مسامحه عرفی را اینجا مجالی نیست. بنابراین براساس دقت فقهی و اصولی می بینیم که تنجیس چیزی است و حمل نجس چیز دیگری است که می شود حمل نجس و اشکالی نیست و احتیاط هم جا ندارد، بنابر شرحی که سیدنا الاستاد دادند.

فرق عرف و سیره (نظر و عمل)

سوال: ملاک رجوع به عرف چیست؟

جواب: بحث عرف یعنی نظر عرف مرجع است در تعیین معانی الفاظ و تشخیص ظهورات عرفیه. فرق بین سیره و عرف این است که نظر عرف مربوط می شود به فهم معانی از الفاظ، و سیره هم مربوط می شود به عمل. بنابراین مرجعیت عرف اینجاست.

نظر صاحب کفایه در حوزه دخالت عرف

اصطلاح مشهور کفایه الاصول این است که مرجعیت عرف اختصاص دارد به تعیین معانی الفاظ نه در تطبیق مفاهیم بر مصادیق که در تطبیق مفاهیم بر مصادیق دقت و تخصص می طلبد و از قلمرو عرف بیرون است.

در فقه دقت عقلایی قابل اعمال است نه دقت عقلی

می گویند در فقه جایی برای دقت عقلی نیست، گفتیم دقت در کار است که دقت عقلی نیست اما دقت عقلایی است. لذا در اصول ما دقت لازم داریم منتها دقت عقلایی است نه دقت عقلی.

سوال: النجس لا یتنجس ولی انتقال وصف خبثت از بول به خون معفو امکان پذیر است،

جواب: انتقال وصف تنجیس درست نمی کند بلکه در اثر فرق می کند. در صورتی که تنجس نبود، تحت عنوان تنجیس بدن و لباس قرار نمی گیرد، پس تحت عنوان حمل نجس است.

سوال و جواب: فرق بین قرار گرفتن بول روی دم اقل از درهم در بدن یا لباس

سوال: در صورت دوم چه فرقی بین ثوب و بدن وجود دارد؟

فرق این دو تا این است که درباره ثوب این شد که ثوب است و یک قطره خون است، در صورتی که خون آمده به ثوب، خون معفو بوده. بول که آمد روی دم، ثوب در عین حالی که نجاست دمویه داشت و معفو بود، نجاست بولیه آن معفو نیست. چون بول روی لباس است و عفو به بول نخورده. اما در بدن گفتیم خونی که در بدن معفو بود، بولی که روی این قطره دم قرار گرفت، در صورت خشک شدن می بینیم که تنجیس نیست و عین خون هم باقی نیست و عین بول هم نیست، و اثر هم نیست و تنجیس نمی کند، چه دلیلی بر مانعیت داریم.

سوال: خشک شدن بول که مزیل شرعی نیست.

جواب: مزیل شرعی نیست، اما عین نجاست که برطرف شده است. در صورتی که بول روی دم بود، یک نجسی بود که تنجیس نداشت، یا باید گفته بشود که اصل بول است یا گفته بشود روی تنجیس است، نه تنجیس است و نه عین، بنابراین دلیلی بر تنجیس وجود ندارد. اما اگر خشک نشده بود و بول باقی بود، مسئله مربوط می شود به جواز حمل و عدم آن.

[1] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 1، ص 578.

[2] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 3، ص 427.